

خبر چه شد که دهخدا به نوشتن لغتنامه رو آورد؟

معروف است که دهخدا بر اثر نوعی سرخوردگی ناشی از فضای سیاسی و اجتماعی وقت، به لغت‌نامه‌نویسی (حدود ۳۰ سال) در زیرزمین منزلش رو آورد. البته حسن تقی‌زاده می‌گوید، زمانی که دهخدا در جنگ جهانی اول به چهارمحال بختیاری رفت، شوق تألیف لغتنامه در او برانگیخته شد. هرچند هر دو این‌ها در کنار هم می‌تواند واقعیت داشته باشد؛ یعنی شوقی بوده که بعدا شرایط یک توفیق اجباری پدید آورده است.

به گزارش ایسنا، علی‌اکبر دهخدا، داستان‌نویس، شاعر، طنزپرداز، روزنامه‌نگار و مبارز سیاسی، سال ۱۲۵۸ هجری شمسی در محله سنگلج تهران به دنیا آمد. در سال ۱۲۷۱ مطالعه و آموزش صرف و نحو عربی و اصول و فقه اسلامی را آغاز کرد. یک سال بعد به تحصیل در مدرسه علوم اسلامی مشغول شد و در سال ۱۲۸۰ به عنوان دستیار محمدحسین فروغی به تدریس ادبیات فارسی در مدرسه علوم سیاسی پرداخت.

دهخدا در سال ۱۲۸۲ برای مأموریت از طرف سفارت ایران، به وین، رم، بخارست و پاریس سفر کرد و دو سال بعد به ایران بازگشت. در سال ۱۲۸۵ در امور راه‌داری و راه شوسه در خراسان به کار مشغول شد و در عین حال به فعالیت‌های سیاسی علاقه‌مند بود.

مجله معروف «صوراسرافیل» را در سال ۱۲۸۶ منتشر کرد تا این‌که یک سال بعد و پس از انتشار ۳۲ شماره، مجله بسته شد. بسیاری از انقلابی‌ها و مشروطه‌خواهان، محاکمه، تبعید یا اعدام شدند. میرزا جهانگیرخان شیرازی در باغ شاه کشته شد و دهخدا به سویس گریخت و آن‌جا هم چند شماره‌ای از مجله را منتشر کرد.

او شعر معروف «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» را شبی پس از به‌خواب دیدن جهانگیرخان سرود. دهخدا هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول مخفیانه به ایران بازگشت و تا پایان جنگ نزد خاوین چهارمحال و بختیاری ماند. آن‌جا با استفاده از کتابخانه خطی و سنگی یکی از خوانین، کار تألیف و گردآوری «امثال و حکم» و «لغت‌نامه» را شروع کرد.

سیدحسن تقی‌زاده در یادداشتی با عنوان «سرگذشت دهخدا» که در مجله «آینده» [سال پنجم، ۱۳۵۸] منتشر شده، در این باره نوشته است:روزنامه‌صور اسرافیل تا نزدیکی برداخته شدن مشروطیت ملی، یعنی تا ۲۰ فروردین اولوی سنه ۱۳۴۶ قمری یعنی سه روز قبل از شب بسته شدن مجلس متعددی روز قبل از قتل میرزا جهانگیرخان دایر بود. ولی به نهایت شدت مورد بغض و خصومت دربار و مستبدین شده بود. تا جایی که از هفت و هشت نفری که محتمل‌علا شاه در اوایل جمادی‌اولی سال مزبور تسلیم یا تبعید آن‌ها را خواست یکی میرزا جهانگیرخان بود.

شب قبل از توپ بسته مجلس، من میرزا جهانگیرخان را با سایر اشخاص یواد غرض شاه یعنی دوستان نزدیک خودم مرحوم سید جمال‌الدین واعظ، اصفهانی و ملک‌المتکلمین و میرزا داودخان علی‌آبادی و غیر هم و دهخدا و جمعی از صحف و مطبعه مجلس در آن‌جاست، دو سه ساعت از شب گذشته دیدم و وقتی‌که از آن‌جا به منزل خودم می‌رفتم دهخدا را با خودم بردم، و شب را در منزل من پشت مسجد سپهسالار با چند نفر از دوستان و کسان به بدر پرس. روز تخریب مجلس ما از منزل خود از در عقبی به خانه میرزا علی‌خان پناه برده و تا شب آنجا ماندیم و اوایل شب به زحماتی به سفارتخانه انگلیس (که خالی از اعضای سفارت بود، زیرا که در قلهک بودند) رفتیم. ۲۵ روز در آنجا بودیم، و بعد ما را از ایران تبعید کردند.



وضعیت مدیران رسانه‌ها از خبرنگاران‌شان بهتر نبوده و بسیاری از آنها، در ماه‌های گذشته مدام در راهروهای دادسرا و دادگاه به سر برده‌اند. در این میان سازمان‌های دولتی هم به طور کم‌سابقه‌ای دست‌به‌کار نوشتن جوابیه برای گزارش‌های انتقادی رسانه‌ها و تکذیب آن بوده‌اند؛ اما ماجرا به همین‌جا محدود نمی‌شود و در چهار ماه گذشته بیش از ۱۵ طرح از سوی دولت، مجلس یا سایر نهادهای مسئول مطرح شده که فصل مشترک همه آنها کنترل اوضاع اجتماعی است که گاهی در شمایل محرومیت از خدمات شهروندی جلوه می‌کند و گاهی آزادی بیان و حضور در فضای مجازی را نشانه می‌گیرد.

حالا با عبور از همه اینها زرمزه‌هایی از حذف معافیت مالیاتی مطبوعات و رسانه‌ها شنیده می‌شود. رسانه‌هایی که مدت‌هاست به دلیل تنگنای ایجادشده اقتصادی ناشی از محدودیت‌های

تحصیلی در ارگانیم عملکرد آنها، با ریزش شدید مخاطبان و کاهش کم‌سابقه درآمد، افزایش مزایه‌ها و تعدیل نیرو، کاهش صفحات و کاهش تولید محتوا مواجه شده‌اند. چنین اتفاقی را باید به‌عنوان یک شوک جدید برای رسانه‌ها ارزیابی کرد. ضربه‌ای که می‌تواند گفتمان رسانه‌ای را با لکت‌های عمیق‌تری همراه کند. باید توجه داشت که در هنگامه مانور رسانه‌های فائق هویت در بیرون از مرزهای ایران، همواره کارشناسان و بخش بزرگی از مدیران دولتی بر ضرورت بازگشت مرجع خبری به ایران تأکید کرده‌اند؛ بازگشتی که مترادف خواهد بود با افزایش توان مقابله با رفتارهای تقابلی علیه کشور. اما این پرسش چرایی بزرگی را به تصویر می‌کشد که بعد از چندین سال برخورد قهری با رسانه‌های داخلی و انداختن آنان در دیک مشکلات و معضلات متعدد، آنها چطور می‌توانند با کوفه‌باری از مشکلات که روی دوش‌شان گذاشته شده است، به رقابت با رسانه‌های بی‌هویت اقدام کنند. معافیت مالیاتی رسانه‌ها که در همه جای دنیا یک شیوه حمایتی برای بسط گفتمان عمومی، اتحاد ملی و اجتناب از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح کلان است، در اینجا اگر واقعا قطع شود، باید گفت که این ایده مدرن اقتصادی ظاهرا به‌عنوان یک ابزار برای برخورد مجدد سیاسی با رسانه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

ایران در شرایطی مطرح می‌شود که در سایر کشورهای جهان ازجمله آمریکا، انگلیس و استرالیا بسته‌های حمایتی متعددی برای رسانه‌های خود در نظر گرفته و علاوه‌برآن به دنبال احیای رسانه‌های زیان‌ده هستند. چرا این اتفاق در میان کشورهای توسعه‌یافته مرسوم است؟ چون در مدار توسعه این اصل پذیرفته شده است که بدون ابزاری که بتوانند گفت‌وگو عمومی را تسهیل و صلح اجتماعی و سیاسی را به نفع منافع ملی ترویج کند، نمی‌توان به شکل‌گیری قابل اعتماد ساختارهای توسعه‌مند دست داشت.

دید به دنبال لغو معافیت مالیاتی مطبوعات

در ایران قانون مربوط به معافیت مالیاتی هنرمندان و اصحاب فرهنگ در بهمن ۱۳۸۱ به تصویب رسید. به موجب این قانون، درآمد‌های ناشی‌از فعالیت تحت مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه فرهنگ و هنر و انتشارات و مطبوعات به طور کامل از مالیات معاف است؛ اما نمایندگان مجلس در جلسه علنی ۵ اسفند ۱۳۹۹، در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه ۱۴۰۰ با نشان‌دادن روی موافق به بند الحاقی ۳ تبصره ۶ ماده واحده مقرر کردند معافیت مالیاتی فعالیت‌های مربوط به انتشارات کمک‌درسی و فعالیت‌های هنری از قبیل بازیگری موضوع بند (ل) ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم، فقط تا سقف دو میلیارد ریال در سال قابل اعمال است و پس از آن حسب مورد به نرخ ماده (۱۰۵) ماده (۱۳۱) قانون مالیات‌های مستقیم، مشمول مالیات می‌شود. به عبارت ساده، قرار شد هنرمندانی با درآمد بیش از ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ مشمول مالیات شوند.

هرچند همین تعیین سقف و کف درآمدی برای دریافت مالیات مورد اعتراض بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر بوده است. این دسته از مخالفان به پروژه‌های موقت کاری هنرمندان و ماهیت کار فرهنگی اشاره می‌کنند که در ایران سودآور نیست و نگران هستند که دریافت مالیات از اهالی فرهنگ و هنر، اقتصاد نیمه‌جان این رشته‌ها را بیش‌ازپیش به محاق ببرد. اما حالا دولت سیزدهم و مجلس یازدهم را از این فراتر گذاشته و بحث لغو معافیت مالیات رسانه‌ها مطرح شده است.

براساس این در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ اشاراتی به اصلاح وضعیت معافیت‌های مالیاتی نهادهای فرهنگی شده است.

به‌عنوان مثال لغو معافیت‌های مالیاتی مؤسسات کنکور و انتشارات کمک‌آموزشی یکی از این موارد است یا دولت در تبصره ۶ ماده واحده لایحه بودجه ۱۴۰۲ تأکید می‌کند که مدارس دولتی تنها در صورت رعایت الگوی مصرف از پرداخت هزینه‌های برق، گاز و آب معاف هستند و هرگونه اعطای معافیت غیر از این بند «ممنوع» است.

در این میان سازمان امور مالیاتی هم خیر داده که اداره کلی برای دریافت مالیات از سلبریتی‌ها تأسیس کرده است و قراردادهای بازیگران سینما و تلویزیون مورد رصد مالیاتی قرار می‌گیرد. در این میان زرمزه‌های حذف معافیت مالیاتی نهادهای رسانه‌ای هم شنیده می‌شود و نگرانی فعالان رسانه‌ای را به دنبال داشته است.

بسته‌های حمایتی دولت‌های جهان برای رسانه‌ها
لغو معافیت مالیاتی رسانه‌های ایران در شرایطی مطرح

زم زمه‌هایی از قطع معافیت مالیاتی رسانه‌ها شنیده می‌شود

تیر خلاص بر پیکره نیمه‌جان رسانه‌ها

فشارهای مکرر برخی دستگاه‌های اجرائی بر رسانه‌ها و تشدید محدودیت عملکرد و دایره فعالیت آنان در ایران ادامه دارد. پس از فیلترینگ گسترده اینترنت، روزنامه‌نگاران زیادی احضار و بازداشت شده‌اند.



می‌شود که بسیاری از دولت‌های جهان حمایت از رسانه‌ها را حمایت از دموکراسی و آزادی بیان تلقی می‌کنند و رسانه‌ها را یکی از محل‌های مصرف درآمد‌های مالیاتی می‌دانند. گاردین در گزارشی به‌تازگی نوشته است که استیون والدمن، یکی از بنیان‌گذاران Report for America گفته است که جامعه روزنامه‌نگاران آمریکا به دنبال احیای صدها خبرنگاری محلی هستند که با شیوع کرونا و کاهش درآمد‌های تبلیغاتی با مشکل مواجه شده‌اند.

این رسانه می‌نویسد ائتلاف «Rebuild Local News» در تلاش است تا فهرستی جامع از اعتبارات مالیاتی را برای سرپا نگه‌داشتن اتاق‌های خبری محلی جلب کند؛ اعتبار مالیاتی که از بازپرداخت مالیات مشترکان دیجیتال اخبار محلی با مالیات کسب‌وکارهای کوچک تبلیغاتی تأمین می‌شود.

والدمن و ائتلاف او تخمین می‌زنند که از طریق کمک‌های انسان‌دوستانه، کمک‌های مالی مشاغل و مالیات مصرف‌کنندگان و دولت بتوانند حدود ۳٫۵ میلیارد دلار اعتبار برای احیای خبرگزاری‌های محلی جمع‌آوری کنند. آنها می‌گویند که هدف اصلی «بازسازی اخبار محلی» تصویب قوانین گسترده برای محافظت از روزنامه‌نگاری محلی در سطح ملی است.

براساس گزارش مدرسه روزنامه‌نگاری مدیل نورت وسترن آمریکا از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۲۲ حدود هزارو ۸۰۰ روزنامه محلی تعطیل شده‌اند. بسیاری از رسانه‌های خبری ایالات متحده به‌شدت به درآمد حاصل از تبلیغات چاپی و دیجیتال متکی هستند و این درآمد همچون کاهش تبلیغات در فضای فناوری مانند گوگل و فیس‌بوک بازار تبلیغات را می‌بلعند. گاردین تأکید می‌کند که اکنون رسانه‌های خبری محلی در ایالت‌هایی مانند نیویورک، کالیفرنیا، کلرادو و ویسکانسین در حال اعمال قوانینی هستند که حفاظت از مشاغل روزنامه‌نگاری مربوطه خود را به قانون تبدیل کند.

در استرالیا هم دولت پس از شیوع کرونا بسته‌های حمایتی متعددی برای حمایت از رسانه‌ها طراحی کرد. براساس این بسته پیش‌کنندگان تلویزیونی و رادیویی مجوز پارلمان و مدت ۱۲ ماه از تخفیف صددرصدی مالیات پخش تجاری خود برخوردار شدند.

دولت استرالیا اعلام کرده است که بسته حمایتی از رسانه‌های این کشور حتی شامل رسانه‌های محلی در مناطق دورافتاده کشور هم می‌شود.

علاوه بر معافیت مالیاتی دولت پنج میلیون دلار از صندوق نوآوری نشانر کوچک منطقه‌ای و نشانر کوچک خود را آزاد کرد تا به‌عنوان کمک‌هزینه به رسانه‌ها پرداخت شود. صندوق نوآوری به طور مستقل از طرف اداره ارتباطات و رسانه استرالیا (ACMA) اداره می‌شود.

در انگلیس هم رسانه‌ها یکی از محل‌های مصرف درآمد‌های مالیاتی هستند و دیلی تلگراف از مالیاتی می‌نویسد که دولت انگلیس بابت تولیدات شبکه BBC پرداخت می‌کند. براساس این گزارش هر شهروند انگلیسی سالانه ۱۵۴٫۵ پوند مالیات برای تولید محتوا در این شبکه تلویزیونی پرداخت می‌کند. دریافت مالیات برای BBC، براساس مجوز پارلمان و در قالب منشور سلطنتی انگلیس تا سال ۲۰۲۷ تضمین شده است و این قانون هر پنج سال یک بار تمدید می‌شود.

رسانه‌ها ابزار توسعه هستند

این پرده از مواجهه توسعه‌مند با رسانه‌ها عمق برخورد غیراقتصادی با رسانه‌ها در قالب حذف معافیت‌های مالیاتی را با قدرت زیادی به رخ می‌کشد. علیرضا بختیاری، مدیرمسئول

روایتی از مراسم یادبود حسن ناهید

یاران در فرافق او گریستند!

در موسیقی خود نمونه بوده و هستند، بلکه در اخلاق‌شان هم همیشه زبازند بوده‌اند.
به هر حال از آنجایی که این اخلاق نیکو است که در آخر می‌ماند، دیدیم که چه جمعیتی برای بدرقه «حسن ناهید» آمدند؛ رفقاییک که سالیان سال با او دوستی کرده بودند و حتی در سخت‌ترین شرایط برای دیدار آخر خود را به او رساندند.

اکنون پس از سپردن حسن ناهید به خانه ابدی، باری دیگر دوستان و آشنایان او گرد هم آمدند تا یاد و خاطره او را گرمی بدارند و برای ساعاتی هرچند کوتاه در کنار هم به سوگ هم بنشینند.

زمانی که پس از رفتن بزرگی گرد هم جمع می‌شویم، رسم این است که هر نفر به نوبه خود از او یادی کند و یا اگر شعر یا قطعه‌ای موسیقی در دست هست، در ادای احترام به او اجرا کنیم.

البته که قطعا شایسته است در مراسم یک بزرگ موسیقی، ادای احترام به او با ساز و آواز همراه باشد و در مراسم ناهید نیز همین گونه شد.

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

مالیاتی دولت است اما میزان مالیات پرداختی آنها ناچیز است یا اصولا مالیاتی نمی‌پردازند. چرا دولت و مجلس جرئت اصلاح وضعیت مالیاتی این نهادها را ندارند و مدام سراغ مالیات‌دهندگان خرد و بنگاه‌های ضعیف می‌آیند؟».
این مدیر مطبوعاتی با بیان اینکه رسانه‌ها به‌عنوان نهادهای حافظ آزادی بیان مورد حمایت کشورهای توسعه‌یافته هستند، می‌گوید «در غالب این کشورها یکی از موارد مصرف مالیات رسانه‌ها به‌عنوان نمایندگان افکار عمومی و دیدبان حقوق افکار عمومی هستند اما در ایران گویا روال برعکس است و می‌خواهند از رسانه‌ها مالیات بگیرند!».

تشدید فشار بر رسانه‌های داخلی از نظر برخی فعالان مطبوعاتی به معنی ازدست‌رفتن بیش از پیش مرجعیت خبری داخل کشور تلقی می‌شود.
در همین زمینه الیاس حضرتی، مدیرمسئول روزنامه اعتماد حذف معافیت مالیاتی مطبوعات را اقدامی در جهت تضعیف بیش‌ازپیش رسانه‌های داخلی و ازبین‌بردن مرجعیت رسانه‌های ایران می‌داند و می‌گوید اتخاذ سیاست‌های نادرست حاکمیتی در مواجهه با رسانه‌ها سبب شده است که مخاطبان رسانه‌های داخلی به‌شدت ریزش داشته باشند و درحال‌حاضر چیزی حدود ۹۰ درصد رسانه‌های کشور زیان‌ده شوند. بنابراین دریافت مالیات از مطبوعات نه‌تنها نقطه تارک کارنامه مجلس یازدهم و دولت سیزدهم خواهد شد که باعث زمینگیری و تعطیلی بسیاری از رسانه‌ها بوده و مرجعیت خبری رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور را بیش‌ازپیش تقویت خواهد کرد.

مدیرمسئول روزنامه اعتماد با اشاره به توقیف روزنامه سازندگی و تشدید دستگیری خبرنگاران تأکید می‌کند: «گاهی فکر می‌کنم عده‌ای علاقه ندارند مرجعیت خبری رسانه‌های داخلی احیا شود و ترجیح می‌دهند رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور میدان‌دار رویدادهای ایران باشند! وگرنه تا این حد به توقیف رسانه‌های نیمه‌جان کشور، دستگیری خبرنگاران و طرح‌ها و لوایحی مانند فشار مالیاتی بر رسانه‌های تضعیف‌شده کشور اصرار نداشتند».

حضرتی توضیح می‌دهد که در غالب کشورهای جهان حوزه کشاورزی که در زمینه تأمین امنیت غذایی اهمیت استراتژیک دارد و رسانه‌ها که از نظر حفاظت از دموکراسی و حقوق عمومی مردم مهم هستند، از مشوق‌های مالیاتی برخوردار می‌شوند اما عرصه است که در ایران، درخواست دریافت مالیات از این بخش‌ها مطرح می‌شود.

به گفته حضرتی «خبرنگاران و رسانه‌ها تاجر نیستند و فعالیت آنها ناظر به منافع و سود اقتصادی نیست و آنها در خدمت منافع عمومی مردم و صدای بی‌زندان هستند. درحال‌حاضر درآمد خبرنگاران ایران و رسانه‌هایشان بسیار ناچیز است و اگر فعالان رسانه‌ای به دنبال سود تجاری و اقتصادی بودند، مشاغل دیگر را انتخاب می‌کردند. بنابراین دولت و مجلس نمی‌توانند با خبرنگاران و رسانه‌ها به‌مثابه بنگاه تجاری رفتار کنند و در غیر این صورت شاهد نقض بیشتر حقوق رسانه‌ها خواهیم بود».

مجلس: دنبال اصلاح ساختار معافیت‌های مالیاتی هستیم
در این میان واکنش نمایندگان مجلس به لغو معافیت مالیاتی رسانه‌ها متفاوت است. آرش رضو زاهدانی هشتاد و یک عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۲ به «شرق» می‌گویند که از چنین مسئله‌ای بی‌اطلاع هستند و دولت و مجلس به دنبال لغو معافیت مالیاتی رسانه‌ها نیستند.

ادعایی که جعفر قادری، عضو کمیسیون برنامه‌بودجه مجلس یازدهم آن را تکرار کرده و طرح از چنین پیشنهادی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ برای بی‌اطلاعی می‌کند. او در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند «بعید می‌دانم چنین پیشنهادی در مجلس رای بیآورد».

در مقابل مصطفی نخعی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۲ مجلس با بیان اینکه بحث اصلاح معافیت‌های مالیاتی در بودجه سال ۱۴۰۲ مطرح است، به «شرق» می‌گوید که با حذف معافیت مالیاتی رسانه‌ها مخالف است. او تأکید می‌کند که «سهم رسانه‌های داخلی از جهان اطلاع‌رسانی نباید کوچک‌تر شود و دریافت مالیات از رسانه‌هایی که این‌روزها با مشکلات متعدد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به معنی تضعیف بیشتر صدای رسانه‌های داخلی است».

این عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۲ می‌گوید مجلس اصرار چندانی به تصویب این پیشنهاد ندارد؛ چراکه دریافت مالیات از این بخش نه به صلاح کشور است و نه رقم قابل توجهی می‌شود که بتواند گرهی را باز کند.
برخی دیگر از نمایندگان هم می‌گویند از نظر دولت معافیت‌های مالیاتی برخی نهادهای فرهنگی محلی برای دوردن قوانین مالیاتی شده است و افرادی تحت عنوان کار فرهنگی، از پرداخت مالیات معاف هستند، اما در لافاه کار تجاری و اقتصادی کرده و درآمد‌های هنگفتی دارند. آنها در ادامه تأکید می‌کنند که برخی سلبریتی‌ها و بازیگران هم با عنوان کار فرهنگی از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. این دسته از نمایندگان، هدف دولت و مجلس اصلاح ساختار معافیت‌های مالیاتی است و مجلس و دولت به دنبال آن هستند که درآمد نهادهای فرهنگی شفاف و حسابرسی شده و پس از این فرایند، درصورتی‌که واجد پرداخت مالیات شناخته شدند، از آنها مالیات بگیرند.

حاکمیت دست از انحصار در عرصه رسانه بردارد

این‌روزها مجلس مشغول بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ است؛ لایحه‌ای که پیش‌بینی می‌شود با کسری شدید بودجه مواجه شود. کارشناسان اقتصاد به تداوم تحریم‌ها و افزایش تنش‌های بین‌المللی اشاره می‌کنند و می‌گویند که با تشدید فشارهای تحریمی فروش نفت دشوار شده و دولت تمرکز خود را بر دریافت مالیات گذاشته است.
باین‌حال فعالان رسانه‌ای با اشاره به اینکه گردش مالی رسانه‌های ایران ناچیز است، معتقدند که هدف از لغو معافیت‌های مالیاتی رسانه‌ها، درآمدزایی نیست و ماهیت رسانه و خبر هدف قرار گرفته است.

